

تاملی بر فراز و نشیب‌های روابط تهران و قاهره



ولی کوزه‌گر کالجی
پژوهشگر در حوزه
مطالعات بین‌المللی

خوزستان ایران با نام جعلی عربستان، بردامنه تنش‌ها و بدبینی‌ها بین دو کشور افزود. در مجموع روابط ایران و مصر به مدت ۱۰ سال یعنی تا شهریور ۱۳۴۹ قطع بود تا این که در دوره انزوای سیاسی ناصر در پی شکست از اسرائیل در جنگ شش روزه و وارد شدن ضربه شدید به تفکر ناصریسم در جهان عرب و نیز دوره بیماری رهبر پان عربیست مصر، با به قدرت رسیدن انورسادات روابط دو کشور مجدداً از سر گرفته شد.

حضور امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت ایران در مراسم تشییع جنازه ناصر، مسافرت سادات در پاییز ۱۳۵۰ به تهران و نیز فاصله گرفتن سادات از بلوک شرق در پی اخراج مستشاران روسی از مصر در سال ۱۳۵۱ و نزدیکی



خواهر ملک فاروق پادشاه مصر- در اسفند ۱۳۱۷ روابط تهران- قاهره را به اوج خود رساند، هر چند گرمای این دوره چندان دیرپا نبود. متارکه محمدرضا پهلوی و فوزیه در سال ۱۳۲۷ و مهم تر از آن سقوط ملک فاروق در تابستان ۱۳۳۱ و به قدرت رسیدن نظامیان چپ‌گرا از جمله ژنرال محمد نجیب و جمال عبدالناصر، روابط خاندان سلطنتی در ایران با رهبران جدید مصر را تیره ساخت. حمایت حکومت جدید مصر از مخالفان شاه به ویژه دکتر محمد مصدق و جریان ملی شدن صنعت نفت و نیز استقبال گرم مقامات مصری و شخص ناصر از سفر دکتر مصدق به قاهره و نامگذاری خیابانی در قاهره به نام دکتر مصدق تنش‌ها را به اوج خود رساند.

به بلوک غرب، موجبات آب شدن یخ‌های روابط ایران و مصر را فراهم آورد. پس از شکست دوباره مصر از اسرائیل در جنگ رمضان در سال ۱۳۵۲ و مسافرت سادات به اسرائیل در سال ۱۳۵۴، شاه ایران پس از کارتر دومین رئیس کشوری بود که این سفر را مورد حمایت قرار داد. حمایت مجدد شاه از سادات در جریان سفر ۲۵ خرداد ۱۳۵۵ وی به تهران و نیز پشتیبانی کلی از روند مذاکرات صلح کمپ‌دیوید، موجبات دوستی شخصی شاه و سادات را فراتر از مناسبات رسمی و دیپلماتیک فراهم ساخت که این امر نقش موثری در پناه دادن به خانواده سلطنتی ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران داشت که خود زمینه ساز فصل دیگری از روابط تهران- قاهره گردید.

روابط تهران- قاهره پس از انقلاب اسلامی در ایران

یکی از دلایل بنیادین تجدیدنظر در الگوی سیاست خارجی بازیگران صحنه سیاست بین‌الملل، وقوع انقلاب در یک کشور و تغییر نخبگان و انگاره‌های ذهنی حاکم بر مجموعه حاکمیتی آن کشور است. پیروزی انقلاب اسلامی باعث تجدید نظر بنیادین در الگوی سیاست خارجی ایران درقبال بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده، آفریقای جنوبی، مصر، اردن و عربستان گردید. مصر پیشگام این تجدیدنظر بود. چرا که دوماه پس از پیروزی انقلاب و ۹ سال پس از بازگشایی مجدد مناسبات، تهران روابط خود را با قاهره به دستور بنیانگذار انقلاب قطع نمود. متن کوتاه امام چنین بود:

جناب آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه

با در نظر گرفتن پیمان خائنه مصر و اسرائیل و اطاعت بی‌چون و چرای دولت مصر از آمریکا و صهیونیسم، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، قطع



روابط دو کشور تاریخ‌ساز و برخوردار از تمدن‌های کهن در منطقه خاورمیانه یعنی ایران و مصر، یکی از پر فراز و نشیب‌ترین روابط در میان بازیگران صحنه سیاست بین‌الملل در طی قرن بیستم و نیز آغاز هزاره جدید بوده است. در طی ۸۷ سال گذشته یعنی از ۱۳۰۰ هجری شمسی و استقلال مصر، روابط تهران- قاهره دورانی از مودت و گرمی تا سردی و تنش را پشت سر نهاده است. هر چند هدف این نوشتار کوتاه بررسی روابط ایران و مصر پس از پیروزی انقلاب اسلامی را در برمی‌گیرد، اما درک پویای دهه گذشته بدون توجه به پیشینه فراز و نشیب‌های روابط دو کشور در دوران حاکمیت سلطنت پهلوی در ایران امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو ضمن گریزی اجمالی به این دوران، با دیدی توصیفی- تحلیلی به تحولات سه دهه اخیر روابط تهران- قاهره خواهیم پرداخت.

روابط ایران و مصر در دوران پهلوی

در سوم بهمن ۱۳۰۰ هجری شمسی با اعلام استقلال مصر، دولت ایران بلافاصله این کشور را به رسمیت شناخت و سرکنسولگری خود را در قاهره به سفارت ارتقاء بخشید. شرایط سیاسی ایران در این مقطع در حال گذار و انتقال از سلطنت قاجار به پهلوی بود. با روی کار آمدن رضاخان پهلوی در ۱۳۰۵ هجری شمسی، روابط تهران و قاهره روبه گسترش نهاد. مناسبات رضاخان و ملک فواد بسیار صمیمانه بود. در حقیقت در آن مقطع از تاریخ، رضاخان در ایران، امان‌الله‌خان در افغانستان، خاندان فواد و فاروق در مصر و نیز آتاتورک در ترکیه پیشگام روند نوسازی جوامع خود به سبک اروپایی بودند که البته با پیامدهای سیاسی و اجتماعی مختلفی نیز همراه بود. اما ازدواج محمدرضا پهلوی- ولیعهد وقت ایران- با فوزیه- دختر ملک فواد و



روابط دیپلماتیک خود را با مصر بنماید.

در پی صدور این فرمان روابط سیاسی دو کشور قطع گردید که این امر تا به امروز همچنان ادامه دارد. هر چند که سادات توانست جایزه صلح نوبل را به خود اختصاص دهد اما در شرایط پرتلاطم انقلابی آن روزهای ایران به شخصی مغرور نزد انقلابیون مبدل گشت. در این میان ترور سادات به دست سروان خالداسلامبولی و عضو جریان اخوان المسلمین و اعدام وی در مصر، شهید خواندن وی از سوی رهبران انقلاب ایران و تغییر نام خیابان وزرا به شهید خالد اسلامبولی، طراحی کودتای نوژه در هتل شرایتون قاهره با حضور اوبسی، انجام تمرین‌های مقدماتی نیروهای آمریکایی در صحرای مصر برای آزادسازی گروگان‌ها در ایران (واقعه طیس)، سرکوب شدید جریان‌های طرفدار انقلاب اسلامی در مصر به ویژه گروه اخوان المسلمین از سوی حسنی مبارک، حمایت گسترده مصر به همراه کشورهای مانند عربستان، اردن و یمن شمالی از عراق در جریان جنگ هشت‌ساله و نیز حمایت از ادعاهای ارضی امارات در قبال جزایر سه‌گانه، دورانی از تنش را در روابط دو بازیگر مهم صحنه سیاسی خاورمیانه رقم زد.

اما پایان جنگ عراق علیه ایران و آغاز دوره سازندگی، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و بلوک شرق، جنگ نفت در خلیج فارس یا حمله عراق به کویت و تهاجم آمریکا و متحدان آن به عراق، که به فعال‌تر شدن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجامید، زمینه‌های نزدیکی کشورهای ایران و مصر را فراهم نموده در این راستا در اردیبهشت ۱۳۷۰ دفتر حفاظت منافع دو کشور گشایش یافت و تلاش برای ایجاد زمینه ارتقای همکاری‌های اقتصادی، بین‌المللی، فرهنگی و نظایر آن، مورد توجه قرار گرفت. در این راه، مقامات دو کشور، ابراز تمایل برخی کشورها برای میانجی‌گری را نپذیرفته و انجام گفت‌وگوی مستقیم را ترجیح دادند. بنابراین، دیدار مسوولان دو کشور، به ویژه دیدارهای وزرای خارجه و دیگر مقامات که در حاشیه برخی اجلاس بین‌المللی و منطقه‌ای صورت پذیرفت، باعث اشتراک مواضع و زمینه‌ساز گسترش مناسبات دوجانبه گردید.

هر چند در این دوران روابط دو کشور به صورت رسمی برقرار نگردید اما تحولاتی مانند ساخت و احداث پنج کارخانه نیشکر از سوی شرکت‌های مصری در خوزستان، امضای توافقنامه علمی میان دانشگاه عین‌الشمس مصر با دانشگاه علامه طباطبایی، پذیرش زبان فارسی به عنوان زبان دوم در دانشکده آثار اسلامی دانشگاه‌الزهر و... موجب بروز تغییرات هر چند اندک در مناسبات دو کشور شد.

با پیروزی اصلاح‌طلبان به رهبری سید محمد خاتمی در ایران و آغاز دوره تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران، روابط دو کشور رو به بهبودی نهاد. هر چند باز هم به برقراری روابط رسمی سیاسی نیانجامید. تشکیل انجمن دوستی ایران و مصر، کسب جایزه بهترین هنرپیشه زن جشنواره فیلم قاهره توسط پگاه آهنگرانی، ورود تیم ملی فوتبال مصر برای نخستین بار در چارچوب مسابقات

تاثیرگذار باشد و بسیاری از مشکلات جهان اسلام را حل کند. پس از سخنان احمدی‌نژاد مقامات مصری و برخی محافل عربی نیز به آن واکنش مثبت نشان دادند. سفر «عباس عراقچی» معاون وزیر امور خارجه ایران به دعوت «حسین ضرار» همتای مصری خود برای سفر به قاهره و مذاکرات دوجانبه در زمینه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به نزدیکی مجدد دو طرف کمک نمود. از سوی دیگر تاکید «احمد ابوالغیط» وزیر امور خارجه مصر مبنی بر ادامه مذاکرات و رایزنی‌های سازنده و فراهم کردن زمینه برقراری دیدارهایی در سطوح بالا به عنوان چراغ سبزی برای برقراری روابط تهران و قاهره پس از یک وقفه طولانی قلمداد می‌شد.

اما همچنان که اشاره شد، بروز رویدادهای خونین غزه و همراهی حسنی مبارک با رهبران اسرائیل و آمریکا در اعمال فشار بر گروه حماس و به ویژه باز نکردن گذرگاه رفح برای ارسال کمک‌های انسانی به نوار غزه و... که با اعتراضات رسمی رهبران ایران و نیز برپایی تجمعات پی در پی و بعضاً خشونت آمیز در مقابل دفتر حافظ منافع مصر در تهران همراه بود، ابرهای تیره یک بار دیگر برآسمان روابط دو کشور سایه افکند که تبعات این تیرگی همچنان ادامه دارد که از جمله آن می‌توان به زمزمه‌هایی مبنی بر انتقال پایگاه اشرف- محل استقرار نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین)- به مصر در پی فشار دولت عراق برای تعطیلی این پایگاه است که اگر این طرح به حقیقت بپیوندد، بی‌اعتمادی کنونی بین دو کشور را دوچندان خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

بیش از ۳۰ سال از قطع روابط سیاسی ایران و مصر می‌گذرد. در این سال‌ها روابط سیاسی ایران با بسیاری از کشورهایی که پس از وقوع انقلاب قطع شده بود، با وجود چالش‌های ژرف سیاسی-ایدئولوژیک از سر گرفته شده است که تجدید روابط با اردن، عراق و الجزایر و عربستان از آن جمله‌اند. اما به نظر می‌رسد روابط ایران و مصر چه در دوران سلطنت پهلوی و چه در دوران جمهوری اسلامی به شدت از مساله فلسطین و اسرائیل تاثیر پذیرفته است. چنانچه پیشتر اشاره شد، یک بار در سال ۱۹۶۰ و بار دیگر در ۱۹۷۹، نخستین بار هنگامی که ایران در زمان پهلوی اعلام کرد که اسرائیل را به صورت دوفاکتو به رسمیت می‌شناسد، مصر رابطه خود را با ایران قطع کرد. بار دوم نیز در ۱۹۷۹ این بار ایران به علت امضای کمپ‌دیوید، رابطه سیاسی خود را با مصر قطع نمود.

در مجموع به نظر می‌رسد تا زمان تغییر نگرش نخبگان سیاسی دو کشور و نیز نوع روند حرکتی تحولات فلسطین نمی‌توان انتظار بهبود روابط تهران- قاهره را داشت. در این میان نکته مهم و قابل توجه آن است که در درازمدت تنش میان دو کشور تاریخی، مسلمان و تاثیرگذار بر پویای خاورمیانه به نفع منطقه نخواهد بود و تنها منفذی برای ورود بازیگران فرامنطقه‌ای در تحولات دوجانبه ایجاد خواهد کرد. ▲

(کلیه منابع در دفتر ماهنامه محفوظ است)

چهارجانبه تهران در سال ۲۰۰۵، دعوت وزیر اوقاف مصر از شخصیت‌های بلندپایه سیاسی و دینی ایران چون آیت‌الله جنتی و تسخیری برای شرکت در کنفرانس عالی شورای عالی امور اسلامی در قاهره و در مقابل دعوت از شیخ‌الزهر برای شرکت در کنفرانس وحدت اسلامی در تهران، حمایت قاهره از درخواست ایران برای عضویت در گروه ۱۵ به‌رغم مخالفت کشورهای آمریکایی لاتین که خواهان عضویت کلمبیا به جای ایران بودند و... تحولاتی بود که در حوزه‌های غیرسیاسی در جریان بود.

دیدار کمال خرازی و عمرو موسی در حاشیه اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در کوالالامپور، دیدار هیات پارلمانی ایران در تیرماه ۱۳۷۹ به ریاست میردامادی و مهمتر از همه ملاقات سید محمد خاتمی و حسنی مبارک در حاشیه اجلاس بین‌المللی ارتباطات در ژنو و... تحولاتی بود که در حوزه سیاسی در جریان بود و بسیاری از تحلیلگران را به برقراری روابط امیدوار ساخت.

اما ناگهان اصرار حسنی مبارک بر تغییر نام خیابان اسلامبولی در تهران و مخالفت عده‌ای در ایران با این درخواست به عنوان یک مانع اساسی در راه فرستادن سفرای دو کشور نمود پیدا کرد. در میان این چانه‌زنی‌ها میان تهران و قاهره، اصولگرایان در ایران به رهبری محمود احمدی‌نژاد به قدرت رسیدند و فصل نوینی در عرصه سیاست خارجی ایران آغاز شد. هر چند این تحول در آغاز با تمایلات شدید برای برقراری روابط به ویژه از سوی شخص رییس جمهور ایران همراه بود اما در ادامه با حوادث غزه و حمایت صریح دولتمردان مصر از موضع اسرائیل و مخالفت با حماس به اوج تیرگی رسید.

سخنان آقای احمدی‌نژاد رییس جمهوری اسلامی ایران در اواخر اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶ در امارات عربی متحده مبنی بر آمادگی ایران برای راه‌اندازی سفارتخانه در قاهره نقطه عطفی برای برقراری روابط دوباره میان دو کشور بود. محمود احمدی‌نژاد طی سخنانی گفت: دشمنان مانع از نزدیکی دو ملت مصر و ایران هستند و رابطه رسمی این دو کشور می‌تواند بر روابط جهان عرب با ایران